

يحيي سليما ني مقام: | چرا مناطق ويژه اقتصادي مهمند؟



يحيي سليما ني مقام

امروزه مناطق ويژه اقتصادي كه آن را مي‌توان به نوعي از دستاوردهاي ايرلندي‌ها به شمار آورد اثري بسيار مهمي در اقتصاد كشورهاي درحال توسعه دارد. با وجود اينكه اين مناطق به دليل بازخوردهاي مثبت اقتصادي، در كشورهاي توسعه‌يافته ايجاد شد ولي در كشورهاي در حال توسعه نمود بيشتري پيدا کرده است. مناطق ويژه اقتصادي كه شكل تكامل يافته مناطق آزاد است و در محدوده جغرافيايي مشخص، در مباني ورودي كشورها يا در داخل آنها ايجاد ميشوند، به ويژه در كشورهاي درحال توسعه آسيابي مورد توجه واقع شدند. هدف اصلي از ايجاد اين مناطق پشتيباني از توليد، تأمين کالا براي مصارف داخلي، توسعه صادرات، ايجاد تحرك در اقتصاد منطقه‌اي، تأمين نيازهاي وارداتي مناطق و به معنای عام توسعه اقتصادي منطقه و كشور است. آريابي اين مناطق عمدتاً بر پايه چهار هدف اساسي و در راستاي عملکرد صادراتي آنها انجام ميشود كه اهم اين اهداف علاوه بر موارد بالا عبارت است از: جذب سرمايه‌گذاري خارجي، انتقال، دريافت و ارتقاي فناوري، كسب درآمد و ايجاد اشتغال.

بسياري از محققان معتقدند كه صنعتي شدن مناطق به ويژه روستاها به طريقي سنگ بناي توسعه است كه در صورت تحقق اين امر اهداف عمده‌اي چون اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاري، کاهش عدم تعادل مناطق مختلف و بالاخره کاهش ميزان مهاجرتها از مناطق به اصطلاح عقب مانده از فرآيند توسعه، محقق خواهد شد. تاثيرات نفوذ صنعت و خدمات در مناطق ضمن ايجاد اقتصادي فعال، مي‌تواند اثرات تكاثري هم داشته باشد، به طوري كه تجربيات كشورهاي مختلف نشان مي‌دهد كه هر تغيير ساختاري از طريق صنعتي شدن نه تنها نقش اقتصادي باارزش در مناطق ايجاد مي‌كند، بلكه منجر به اقتصاد خود رانشي (سرريز شدن در اقتصاد) نيز ميشود.

در مناطق ویژه محدودیت زمانی برای نگهداری از کالا و محدودیت خرید ارز وجود نداشته و تحت شرایط مطمئن و آزاد توسط فروشندگان و تولیدکنندگان خارجی و شرکای داخلی آنها تولید و تجارت صورت می‌گیرد تا پس از تولید ثانویه، پردازش یا حتی ترانزیت آماده صدور به سرزمین اصلی یا دیگر کشورها با ساده‌ترین تشریفات و در کمترین زمان شود. این مناطق در کشور چین به منظور ایجاد نوعی تحرک اقتصادی در مناطق محروم مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفتند. از آنجا که کشورهایی با نظام سوسیالیست همانند چین نمی‌توانستند عملاً در پهنه تجارت آزاد جهانی به صورت مستقیم نقش‌آفرین باشند؛ لذا این قبیل کشورها به منظور جبران عقب‌ماندگی ناشی از این امر اقدام به تاسیس مناطق ویژه اقتصادی درون خاک خود به منظور ارتقای سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی کردند.

مکتب سوداگری: اولین نظریه‌ای است که در اواسط قرن شانزدهم در مورد تجارت بین‌الملل ارائه شده، این نظریه ذخایر طلا و نقره را به عنوان پایه ثروت ملی و عاملی تعیین‌کننده در برقراری مبادلات خارجی کشورها می‌دانست. در آن زمان طلا و نقره وسیله پرداخت در تجارت خارجی محسوب و دستیابی به آن از طریق صدور کالا به خارج میسر می‌شد. سوداگران معتقد بودند که مهم‌ترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه می‌شود. در این رابطه، قدرتمندتر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می‌دانستند؛ از این رو، سوداگران از این عقیده حمایت می‌کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند.

مزیت مطلق آدام اسمیت: آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را زیر سوال برد، او بر این باور بود که هر کشور باید در تولید کالاهایی تمرکز یابد که در آنها نسبت به سایر کشورها از مزیت مطلق برخوردار است و همچنین کالاهایی را وارد کند که کشورهای دیگر نسبت به آن دارای برتری باشند. بر اساس این نظریه تجارت بین دو کشور زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور در تولید کالایی دارای مزیت مطلق باشد. (یا به عبارتی دارای کارایی بالاتری باشد) و کشور دیگر دارای این مزیت نباشد؛ لذا این دو کشور با مبادله کالا میان خود از منافع این عمل بهره می‌برند.

تجارت بر اساس مزیت نسبی: نظریه آدام اسمیت با توجه به واقعیت‌های موجود اقتصاد جهانی کارایی چندانی نداشت، زیرا فقط اقتصادهایی را می‌تواند پوشش دهد که مزیت مطلق داشته باشند؛ حال آنکه در جهان

معاصر تنها تعداد اندکی از کشورها دارای مزیت مطلق در یک حوزه هستند و کشورهای وجود دارند که از مزیت مطلق در تولید کالا بی‌بهره‌اند. به اعتقاد دیود ریکاردو کشوری که در تولید تمام کالاها از برتری مطلق برخوردار باشد می‌تواند کالاهایی را که در آنها بیشترین کارایی را دارد؛ تولید و صادر کند و در مقابل کالاهایی را که کارآمدی کمتری در آنها دارد را از خارج وارد کند. بر این اساس هر دو کشور نفع خواهند برد. از لحاظ تئوریک پیدایش منطقه ویژه اقتصادی بر اصل هزینه نسبی ریکاردو استوار است. مدل مناطق ویژه اقتصادی پس از ارزیابی دقیق پتانسیلها و محدودیتهای مناطق آزاد تجاری به عنوان شکل اصلاح شده و تکامل یافته آن به وجود آمد. مفهوم مناطق آزاد اقتصادی در گذر زمان تغییرات و سازگاریهایی کسب کرد و جایگزینهای زیادی به دست آورد که مناطق ویژه اقتصادی یکی از این جایگزینها بود. مناطق ویژه اقتصادی از نظرگاه وسعت و عرصه فعالیت در مقایسه با مناطق آزاد اقتصادی بسیار وسیعتر بوده و به عنوان نوآوری منحصر به فرد چینیها که افق جدیدی به مناطق آزاد اقتصادی بخشیدند، شناخته میشود. این مناطق به ابزار قدرتمندی برای ارتقای صادرات و توسعه اقتصادی تبدیل شده‌اند. با توجه به آمار و ارقام در داخل و خارج از کشور این مناطق در توسعه اقتصادی و در قالب شاخصهای مختلفی چون درآمد افراد، اشتغال، ثبات و ماندگاری افراد در محل سکونت خود و جلوگیری از مهاجرت به شهر، ایجاد زیرساختهای ارتباطی و امکانات و خدمات زندگی و... تاثیر بسزایی دارند و میتوانند محرک رشد اقتصادی باشند.

کارشناس ارشد اقتصاد